

بررسی مفاهیم بنیادین مکتب اشاعره در آثار عرفانی منظوم شاعران برجسته قرن‌های ششم، هفتم و هشتم

نصرالله زیرک،^۱ آیدا ذوالفقاری^۲

چکیده

شناخت مکتب‌های فکری به عنوان یکی از مهم‌ترین آبخورهای پیدایش مکتب‌های ادبی، برای فهم متون ادبی هدفی ضروری است. در غرب، از دیرباز با نظریه‌پردازی‌های گوناگون به تحلیل چگونگی مبانی معرفتی آثار ادبی پرداخته شده است؛ اما در شرق به این نکته توجه چندانی نشد. همین کم‌توجهی به نظریه‌ها و مکتب‌های ادبی متون فارسی ما را به مطالعه‌ی یکی از این رویکردهای فکری که مبنای معرفتی مهم‌ترین جریان ادبی فارسی یعنی ادبیات عرفانی و غنایی در یک بازه زمانی خاص بوده، واداشت. قرن ششم، آغاز عصری است که مکتب کلامی اشاعره با میراث گراندقدر عرفانی - ادبی پیوند خورد و عارف - شاعران بسیاری با بهره‌گیری از اصول و قواعد این مکتب به بیان اندیشه‌های خود با ادبیات پرداختند. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به تبیین چگونگی مبانی این مکتب فکری - ادبی با استناد به متون ادبی پرداخته شد، و معلوم گردید که اصول فکری اشاعره در تار و پود این متون تنیده شده و بدون فهم آن‌ها درک درستی از این متون دریافت نمی‌شود. در ضمن، این پژوهش روشن کرد که می‌توان در ادبیات فارسی مکاتب فکری - ادبی مانند مکتب اشاعره را با مبانی و قواعد خاص خود طراحی و تألیف کرد که زمینه شکل‌گیری اسطوره‌متن‌هایی مانند: حدیقه سنایی، منطق الطیر، مثنوی معنوی مولوی و دیوان حافظ باشد.

کلمات کلیدی: مکتب اشاعره، علم کلام، متون عرفانی.

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد واحد رشت، رشت، ایران (نویسنده مسئول)

zirak@iaurasht.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان، رشت، ایران

aydazolfaghari79@gmail.com